

نقش تجربه‌های دینی در پیش‌بینی حل مسئله اجتماعی

The Role of Religious Experiences in Predicting Social Problem Solving

Leila Rashidbeigi

PhD Candidate

Shiraz University

Farideh Yousefi, PhD

Shiraz University

فریده یوسفی

دانشیار دانشگاه شیراز

لیلا رشیدبیگی

دانشجوی دکتری

دانشگاه شیراز

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناخت نقش تجربه‌های دینی در پیش‌بینی حل مسئله اجتماعی بود. بدین منظور تعداد ۴۱۶ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز که باروش نمونه‌برداری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه بنیادگرایی مذهبی (آلت‌میر و هانسبرگر، ۲۰۰۴)، مقیاس پرسشگری (بتسون و شوئرادر، ۱۹۹۱) و سیاهه حل مسئله اجتماعی (دزورویلا، نزوومیدو-الیویرز، ۲۰۰۲) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند بعد خودانتقادگری (از ابعاد جهت‌گیری پرسشگری) جهت‌گیری مثبت به مسئله را به صورت مثبت و معنادار پیش‌بینی می‌کند. همچنین ابعاد خودانتقادگری و پیچیدگی به صورت مثبت و معنادار حل مسئله منطقی را پیش‌بینی می‌کنند. علاوه بر این، بنیادگرایی به صورت مثبت و معنادار و تساهل‌گرایی به صورت منفی و معنادار، جهت‌گیری منفی به مسئله را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون مشخص کرد بعد تساهل‌گرایی، بنیادگرایی و خودانتقادگری نقشی معنادار در پیش‌بینی حل مسئله تکانشی-اجتنابی دارند. بنابراین، تجربه‌های دینی می‌توانند نقش مهمی در چگونگی حل مسئله اجتماعی ایفا نمایند.

واژه‌های کلیدی: تجربه دینی، بنیادگرایی مذهبی، جهت‌گیری پرسشگری، حل مسئله اجتماعی

Abstract

The aim of the present study was to investigate the role of religious experiences in predicting social problem solving. Four hundred and sixteen students who studied in MA level at Shiraz University were selected using multistage cluster sampling. The participants completed the Religious Fundamentalism-Revised Questionnaire (RF-R) (Altemeyer & Hunsberger, 2004), the Quest scale (Batson & Schoenrade, 1991) and the Social Problem Solving inventory-Revised Short Form (SPS-R:SF) (D'Zurilla, Nezu, & Maydeu-Olivares, 2002). The data were analyzed using multiple regression (stepwise method). The results indicated that self-criticism (one dimension of the quest) was the positive and significant predictor of positive problem solving orientation. Self-criticism and complexity were the positive and significant predictors of rational problem solving. Moreover, the fundamentalism was the positive and significant predictor of negative problem solving orientation, and tolerance was the negative and significant predictor of negative problem orientation. The regression analysis indicated that tolerance, fundamentalism and self-criticism significantly predicted impulsive/avoidance problem solving style. The findings suggested that the religious experience may play an important role in social problem solving styles.

Keywords: religious experience, religious fundamentalism, quest, social problem solving

received: 17 December 2013

accepted: 4 May 2014

Contact information: yousefi@shirazu.ac.ir

دریافت: ۹۲/۹/۲۶
پذیرش: ۹۳/۲/۱۴
این مقاله برگرفته شده از رساله دکتری رشته روان‌شناسی تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز است.

مقدمه

است. این محققان برای روشن‌تر کردن منظور خود از اعتقادات متعصبانه، از مفهوم بنیادگرایی مذهبی^۵ استفاده کردند (آلتیمیر و هونسبرگ، ۲۰۰۵). آنها بنیادگرایی مذهبی را خلاصه‌ای از یک مجموعه آموزه‌های دینی معرفی می‌کنند که حاوی حقیقت بنیادین، باطنی و ذاتی درباره انسان و خداست. این حقیقت ذاتی که باید از آن بر اساس اعمال بنیادین و تغییرناپذیر گذشته پیروی کرد، با مخالفت اساسی نیروهای شر که باید به شدت با آنها مبارزه کرد، مواجه است. آنان که به این آموزه‌های بنیادین معتقدند و از آنها پیروی می‌کنند ارتباط خاصی با خدا دارند (آلتیمیر و هونسبرگ، ۱۹۹۲؛ کراس، استریب، کلر و سیلور، ۲۰۰۶).

افزون بر آن، پژوهش‌هایی نیز به بررسی رابطه بین تجربه‌های دینی و به‌کارگیری فرایندهای شناختی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشانگر همبستگی منفی بین راهبردهای پردازش عمیق با باورهای عینی الهی و همبستگی مثبت تعصب در تعهدات دینی با سطوح پایین‌تر راهبردهای شناختی^۶ (وستمن و الکساندر، ۲۰۰۴) بوده است. همچنین وندرسناپ و نوریس (۲۰۰۵) به بررسی ارتباط بین باورهای معرفت‌شناختی^۷ و دینی در حوزه حل مسئله غیرساختارمند پرداختند. این نتایج نشان دادند افرادی که باورهای محافظه‌کارانه (سنتی) داشتند، نمره‌های بالاتری در دانش قطعی^۸ کسب کردند. در حالی که افرادی که باورهای دینی لیبرال داشتند، نمره‌های بالاتر در دانش پیچیده^۹ به دست آوردند. چنین توصیفی از تجربه دینی مشابه توصیف تجربی بتسون از دین به عنوان پرسش^{۱۰} است. دیدگاه بتسون از پرسش، دیدگاه بسط‌یافته آلپورت (۱۹۵۰) از جهت‌گیری مذهبی درونی در برابر جهت‌گیری مذهبی بیرونی است (بتسون، ایدلمن، هیگلی و راسل، ۲۰۰۱). بتسون معتقد بود روی آورد دینی افراد با جهت‌گیری پرسشگری، کاهش پیچیدگی و تردید مذهبی همراه است (سواتوز، ۱۹۹۸). به عبارت دیگر، پرسشگری دینی با فرض اینکه تنها یک مسیر کاملاً درست وجود ندارد، در حکم شیوه‌ای است که یک مسیر بدون پاسخ از پیش معلوم را به طرف معنویت دنبال می‌کند (بتسون، دنتون و والکم، ۲۰۰۸). کسانی که دین را پرسشگری تلقی می‌کنند، در جهت درک عمیق موضوع‌های مذهبی تلاش و در این مسیر از

ارتباط روان‌شناسی و دین را می‌توان به قدمت تاریخ بشریت دانست. زیرا هر باور و عمل دینی، چه با اعتقاد به یک عنصر ماورای طبیعت باشد یا نباشد، یک ارتباط تعاملی بین روان و عقاید فرد ایجاد می‌کند. افزون بر آن، جنبه‌های اجتماعی دین آثار زیادی بر تحول شناختی و هیجانی افراد می‌گذارند. پالو^۱ (۱۹۸۷) نقل از زرین‌کلک و طباطبایی‌برزوکی، در مورد اهمیت مذهب در زندگی می‌نویسد: «فایده مذهب برای بشر به حدی است که اگر مذهبی در عالم وجود نداشت، انسان از برای مصلحت خود، آن یا چیزی شبیه به آن را برای خود ابداع می‌کرد.» با وجود چنین ارتباط عمیق و درونی، گذر از مسیری پرتلاطم و طولانی طی قرن‌ها ضروری بود تا تجربه دینی به عنوان یک عامل زیربنایی و برانگیزاننده که نقش مهمی در شکل‌گیری روند زندگی ایفا می‌کند، به صورت یک مبحث علمی مورد توجه قرار گیرد. جیمز (۱۹۸۵) تجربه دینی را بخش ضروری زندگی می‌دانست که مجری کارکردی است که هیچ بخشی از ماهیت انسان نمی‌تواند به تنهایی و به‌طور موفقیت‌آمیز تحقق بخشد. او، در کتاب خود تحت عنوان انواع تجارب دینی^۲، تجربه دینی را چنین تعریف می‌کند: «احساسات، اعمال و تجربه‌های فرد انسان‌ها در خلوت خودشان، تا جایی که خود را در ارتباط با هر آنچه در نظر آنان الهی^۳ است، می‌بینند.»

در قلمرو روان‌شناسی، تاریخچه پژوهش‌های مرتبط با تجربه دینی و تعصب به دهه ۱۹۴۰ و به بررسی‌های مشهور آدرنو، فرانکل-برونسویک، لوینسون و سنفورد (۱۹۵۰) درباره شخصیت اقتدارگرا بازمی‌گردد. نتایج تحقیق این افراد رابطه مثبت بین دین و تعصب را نشان داد. آلپورت^۴ (۱۹۵۴)، نقل از رنج، کاریگان، مک‌کراسکی و پانیانات-کتر، (۲۰۰۶) اولین کسی بود که نقش مذهب در ایجاد تعصب را به صورت یک پارادایم مورد تردید قرار داد و عنوان کرد که مذهب نقشی دوگانه دارد که هم تعصب را ایجاد می‌کند و هم آن را از بین می‌برد. بر اساس بررسی‌های اولیه آلتیمیر و هونسبرگ (۱۹۹۲)، جهت‌گیری مذهبی تنها بخشی از معادله درک باورهای متعصبانه افراد مذهبی

1. Pallow, O.	4. Alloport, G.	7. epistemic beliefs	10. quest
2. varieties of religious experience	5. fundamentalism religion	8. certainty of knowledge	
3. divine	6. cognitive strategies	9. complexity of knowledge	

مهارت حیاتی زندگی در عصر حاضر است که در ارتقای بهداشت روانی مؤثر است (بیانی و بیانی، ۱۳۸۹). در الگوی حل مسئله اجتماعی که توسط دزوریلا^۱ و گولدفرد^۲ (۱۹۷۱) نقل از وکلینگ، (۲۰۰۷) سازماندهی شد و توسط دزوریلا و نزو (۱۹۸۲) نقل از وکلینگ، (۲۰۰۷) گسترش یافت، حل مسئله به فرایندی رفتاری-شناختی و خودهدایت شده اطلاق می‌شود که به وسیله تلاش فرد برای شناسایی یا کشف راه‌حل‌های انطباقی یا مؤثر برای رویارویی با مسائل خاص زندگی روزانه شکل می‌گیرد. در این تعریف، حل مسئله اجتماعی به عنوان یک فعالیت هدفمند، مجدانه و آگاهانه و نیز یک پیامد شناختی هدفمند و مؤثر در نظر گرفته می‌شود (نزو، دزوریلا و نزو، ۲۰۰۵). این فعالیت یک فرایند چندبعدی تعاملی است و از دو مؤلفه اصلی نسبتاً مستقل جهت‌گیری نسبت به مسئله^۳ و مهارت‌های حل مسئله یا سبک‌های حل مسئله^۴ تشکیل شده است (دزوریلا، نزو و میدو-الیویرز، ۲۰۰۲).

بر اساس بررسی‌های به‌عمل آمده، تاکنون در زمینه رابطه بین حل مسئله اجتماعی و تجربه‌های دینی، پژوهشی انجام نشده است. از سوی دیگر، حل مسئله اجتماعی به عنوان یک موقعیت درگیر با فرایندهای شناختی، در نظر گرفته می‌شود و پژوهش‌ها (برای مثال، وکلینگ، ۲۰۰۷؛ آنجلی و والاندیز، ۲۰۱۲) نشان داده‌اند بین فرایندهای شناختی عمیق و به‌کارگیری راه‌حل‌های منطقی در رویارویی با مسئله ارتباط وجود دارد. همچنین نتایج تحقیقات ارائه شده (وستمن و الکساندر، ۲۰۰۴؛ وندرستاپ و نوریس، ۲۰۰۵) بیانگر تأثیر زیربنایی سطوح تحول شناختی بر کیفیت باورهای دینی و در نهایت چگونگی رویارویی با تکالیف شناختی بر اساس سطح رشدیافتگی باورهای دینی است. افزون بر آن، تاکنون مقایسه‌ای بین عملکرد افراد با دو نوع تجربه دینی، در موقعیت حل مسئله اجتماعی صورت پذیرفته است. بنابراین هدف مطالعه حاضر، تعیین رابطه دو تجربه دینی (بنیادگرایی مذهبی و پرسشگری) با چگونگی عملکرد در موقعیت حل مسئله اجتماعی است. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر برای پاسخگویی به پرسش زیر شکل گرفته است:

آیا ابعاد بنیادگرایی مذهبی و جهت‌گیری دینی پرسشگری،

ارائه پاسخ‌های صریح اجتناب می‌کنند. آنها معتقدند درک یک حقیقت مطلق ممکن نیست و فرایند جست‌وجوگری مهم‌تر از رسیدن به پاسخ‌های روشن است (بک و جساپ، ۲۰۰۴). این نوع جهت‌گیری با باورهای جزمی و تعلیماتی ارتباط کمی دارد و بیشتر مبتنی بر یک سیر رشد معنوی است که از طریق شک و تفحص در این زمینه حاصل می‌شود (پاچتربک، کلر و ساراگلو، ۲۰۱۲). جهت‌گیری پرسشگری از سه ویژگی برخوردار است: آمادگی رویارویی با پرسش‌های وجودی بدون کاهش پیچیدگی آنها، خودانتقادگری، آزمایشگری و ادراکاتی از شک‌های دینی و گشودگی نسبت به تغییر (بتسون و شوئتراد، ۱۹۹۱ الف؛ نیرینک، لنز، ونستن کیست و سوننس، ۲۰۱۰).

نتایج پژوهش‌های متعدد که به مقایسه بنیادگرایی مذهبی با پرسشگری دینی پرداخته‌اند، بیانگر آن است که پرسشگری با نیاز به آزمون و تفحص مرتبط است و به‌سادگی از استانداردهای اجتماعی و بیرونی برای انجام عمل پیروی نمی‌کند (مالتبی و دی، ۲۰۰۳؛ بارت، پتاک-پکهام، هاتچینسون و ناگاشی، ۲۰۰۵)، در حالی که الگوی تفکر فردی مبتنی بر یک روند شناختی نامنعطف یا گرایش بنیادگرایی، بر اساس نیاز به ساختار به عنوان نیروی انگیزشی-شناختی مبنایی، هدایت می‌شود. بنابراین اغلب با تفکر ساده‌انگارانه یا عدم تحمل ابهام، همراه و تقویت‌کننده تفکر قالبی است (براون، بارنز و کمپبل، ۲۰۰۷).

افزون بر آن، عقاید و اعمال دینی در قالب شیوه‌های خاصی از مقابله دینی نمایان می‌شوند و به‌طور مستقیم بر سلامتی فرد در موقعیت‌های تنیدگی‌زای روانی-اجتماعی تأثیر می‌گذارند (رجبی، صارمی و بیاضی، ۱۳۹۱). بررسی اثرات این دو نوع تجربه دینی در رویارویی با موقعیت‌های فردی و اجتماعی زندگی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به دلیل آنکه این دو تجربه عمدتاً تحت تأثیر و نیز تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی هستند، در موقعیت‌های فردی و اجتماعی رویارویی با مسئله، کیفیت باورهای دینی افراد بر چگونگی حل مسئله تأثیر می‌گذارد.

مسئله اجتماعی به عنوان نوعی مسئله غیرساختارمند، به فرایند حل مسئله در محیط طبیعی اشاره دارد. توانایی حل مسئله به‌طور کلی و حل مسئله اجتماعی به‌طور خاص، یک

شیوه‌های حل مسئله اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند؟

به فرم اولیه با مقیاس اقتدارگرایی جناح راست^۲ از ۰/۷۷ به ۰/۷۹ و با مقیاس شک مذهبی از ۰/۴۰- به ۰/۴۴- افزایش یافته است.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که با هدف پیش‌بینی شیوه‌های حل مسئله اجتماعی بر اساس تجارب دینی بنیادگرایی مذهبی و جهت‌گیری دینی پرسشگری صورت گرفت.

جامعه‌آماری پژوهش حاضر، شامل تمام دانشجویان دوره کارشناسی ارشد بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ در دانشگاه شیراز مشغول به تحصیل بودند. از این جامعه، ۴۱۶ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد (۲۷۰ دختر و ۱۲۳ پسر) به روش نمونه‌برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که در مرحله اول، از هر یک از دانشکده‌های دانشگاه شیراز، دو رشته تحصیلی به‌طور تصادفی انتخاب شدند. در مرحله دوم، از هر یک از رشته‌های تحصیلی دانشجویان یک کلاس به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. میانگین سن گروه نمونه ۲۷/۶ سال با انحراف استاندارد ۵/۳ سال بود.

به منظور بررسی دو نوع تجربه دینی و شیوه‌های حل مسئله اجتماعی از سه مقیاس استفاده شد.

مقیاس بنیادگرایی مذهبی^۱ (RE): آلتیمیر و هانسبرگر، (۲۰۰۴). فرم اولیه این مقیاس مشتمل بر ۲۰ ماده (آلتیمیر و هانسبرگر، ۱۹۹۲) و فرم جدید این مقیاس از ۱۲ ماده تشکیل شده است. پاسخگویی به این مقیاس از نوع لیکرت با طیف پنج گزینه‌ای، از کاملاً مخالفم (نمره یک) تا کاملاً موافقم (نمره پنج) است. لازم به ذکر است که نمره‌گذاری ماده‌های ۱۲، ۱۰، ۹، ۴ و ۲ به صورت معکوس صورت می‌گیرد.

آلتیمیر و هانسبرگر (۲۰۰۴) برای تعیین اعتبار فرم جدید و تجدیدنظر شده این مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده و ضریب حاصله را ۰/۹۱ گزارش کردند که در نسخه پیشین نیز همین ضریب را به‌دست آورده بودند. آنها با استفاده از تحلیل عامل مؤلفه‌های اصلی، مقدار درصد واریانس تبیین‌شده‌ای (۶۰/۴ درصد) بیشتر از مقیاس قبلی (۵۰/۵ درصد) به‌دست آوردند. همچنین روایی سازه فرم جدید از فرم قبلی مطلوب‌تر گزارش شد. به گونه‌ای که ضریب همبستگی فرم جدید نسبت

کشتکاران (۱۳۸۹) به‌منظور تعیین روایی این پرسشنامه از روش تحلیل‌عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس استفاده و وجود یک عامل در ماده‌ها را تأیید کرد. به‌علاوه، ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۵) بیانگر اعتبار مناسب این پرسشنامه بود. لازم به ذکر است که پژوهشگران، این نکته را که مقیاس بنیادگرایی مذهبی برای افراد مسیحی، مسلمان و یهودی دارای اعتبار و قابل اجراست، مورد تأیید قرار داده‌اند (آلتیمیر، ۲۰۰۶).

در پژوهش حاضر برای تعیین روایی این پرسشنامه، ابتدا روش تحلیل‌عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس به‌کار گرفته شد و دو عامل به‌دست آمد که دو بُعد بنیادگرایی و تساهل‌گرایی^۳ را نشان دادند. ملاک استخراج عوامل، شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار ضریب KMO برابر با ۰/۸۲ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۹۳۵/۴۰ بود که نشان از کفایت نمونه‌برداری و کفایت ماتریس همبستگی ماده‌ها داشت. دو عامل به‌دست آمده در مجموع ۴۶/۰۴ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. سپس با استفاده از روش تحلیل‌عاملی تأییدی، شاخص‌های برازش مدل نشان دادند برازندگی مناسب الگو با داده‌ها وجود دارد و وجود دو عامل مورد تأیید قرار گرفت. به‌منظور تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. این ضرایب برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۵ و برای ابعاد تساهل‌گرایی و بنیادگرایی به‌ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۷۱ بود.

مقیاس پرسشگری^۴ (بتسون و شوئتراد، ۱۹۹۱الف، ۱۹۹۱ب). این مقیاس خودگزارش‌دهی ۱۲ ماده دارد. پاسخ‌ها در این مقیاس بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت محاسبه می‌شود که از کاملاً مخالفم (نمره یک) تا کاملاً موافقم (نمره پنج) درجه‌بندی شده است. ماده‌های ۷ و ۱۱ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. بتسون و شوئتراد (۱۹۹۱الف و ب) روایی و اعتبار این مقیاس را بررسی کردند و شواهدی دال بر اعتبار و روایی مطلوب آن ارائه کرده‌اند. همسانی درونی این

1. Religious Fundamentalism-Revised (RF-R)

2. Right-wing Authoritarianism Scale

3. tolerance

4. Quest Scale

ترتیب ۰/۵۳، ۰/۵۸ و ۰/۶۰ بود که بیانگر اعتبار قابل قبول آن است. به منظور بررسی روایی نیز ابتدا روش تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس به کار گرفته شد و وجود سه عامل تأیید شد. مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌برداری) ۰/۷۴ و مقدار خی آزمون کروییت بارتلت ۶۹۲/۳۰ محاسبه شد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود که نشان از کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب شده برای انجام تحلیل عوامل داشت. سه عامل به دست آمده در مجموع ۵۹/۱۱ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کردند. نتایج تحلیل عاملی در کل، سه عامل با ارزش‌های ویژه بالاتر از یک را به دست داد که همسو با پرسشنامه اصلی بود. سپس با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی وجود سه عامل مورد تأیید قرار گرفت.

سیاهه حل مسئله اجتماعی^۱ (SPSI؛ دزوریل و دیگران، ۲۰۰۲). فرم کوتاه این سیاهه بر اساس مدل حل مسئله اجتماعی دزوریل (۱۹۸۶) نقل از سو و شک، (۲۰۰۵) با ۲۵ ماده بازنگری شده است. اولین نسخه آن ۷۰ ماده داشت و اعتبار و روایی آن در مجموعه‌ای از مطالعات اعتباریابی با استفاده از نمونه‌های بالینی و غیربالینی تأیید شده است (دزوریل، ۱۹۸۶ نقل از سو و شک، ۲۰۰۵). بر پایه ارزیابی‌های متعدد، از ساختار عاملی سیاهه حل مسئله اجتماعی، فرم ۷۰ ماده‌ای آن به فرم ۵۲ ماده‌ای و فرم ۵۲ ماده‌ای آن به فرم ۲۵ ماده‌ای تقلیل یافت (دزوریل و دیگران، ۲۰۰۲). سیاهه حل مسئله اجتماعی فرم کوتاه تجدیدنظر شده، همانند فرم ۷۰ ماده‌ای و ۵۲ ماده‌ای آن از پنج زیرمقیاس تشکیل شده است (صالحی، کوشکی، سپاه‌منصور و تقی‌لو، ۱۳۸۸). اولین زیرمقیاس این سیاهه، جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله است که حل مسئله انطباقی را به کمک ویژگی‌هایی مانند آمادگی کلی برای ارزیابی مسئله به صورت چالش‌برانگیز، خوش‌بینی نسبت به حل مسئله، باور توانایی خود در حل موفقیت‌آمیز مسئله و رضایت خاطر نسبت به تعهد در قبال حل مسئله را ارزیابی می‌کند. زیرمقیاس دوم، به جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله مربوط است که یک مجموعه شناختی-عاطفی غیرانطباقی را ارزیابی می‌کند و شامل تمایل کلی به در نظر گرفتن مسئله به

مقیاس ۱۲ ماده‌ای با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمده است. همچنین بتسون و شوئتراد (۱۹۹۱ الف) با استفاده از روش تحلیل عاملی در سطح ماده‌ها، روایی مقیاس پرسشگری را ارزیابی کردند و یک راه‌حل سه‌عاملی همراه با یک عامل بالقوه با ارزش ویژه ۰/۹۷ را به دست آوردند. هرچند رویه‌ها به وضوح قابل تمایز نیستند، اما سه عامل ترکیب شده ۵۵ درصد واریانس را تبیین کردند. بنابراین، در ساختار عاملی این مقیاس تمایز آشکار بین عوامل مشاهده نشده است. با این وجود محققان نتیجه گرفتند مقیاس پرسشگری می‌تواند بعدی از جهت‌گیری مذهبی را که متمایز از ابعاد مذهب درونی و بیرونی است، اندازه‌گیری کند. بنابراین گام بعدی برای درک مذهب به عنوان پرسشگری، ایجاد یک بدنه قائم به‌ذات از تحقیقات با مقیاس ۱۲ ماده‌ای بود. مک‌هاسکی^۱، بتریس^۲، ورزل^۳ و کلی^۴ (۱۹۹۱ نقل از گراهام، ۲۰۰۱) با تحلیل عاملی مقیاس ۱۲ ماده‌ای پرسشگری، به استخراج سه عامل اصلی نایل آمدند که در مجموع ۵۸ درصد واریانس را تبیین کرد. بر اساس این نتیجه، هر سه جنبه که به وسیله پرسشگری پیش‌بینی شده بود، به‌وضوح اندازه‌گیری شد. در واقع نتایج این پژوهش تأییدی بر تحقیقات بتسون و شوئتراد (۱۹۹۱ الف) محسوب می‌شود.

همچنین نتایج بررسی‌ها حاکی از تأیید روایی سازه و روایی ملاکی این مقیاس بود. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ گزارش شده است. پژوهش‌های دیگری نیز روایی و اعتبار آن را تأیید کرده‌اند (مالتبی، لوپس و دی، ۱۹۹۹؛ لوپس و کرایز، ۲۰۰۶). سلیمانی‌خشاب (۱۳۹۱) در پژوهش خود ضریب اعتبار این مقیاس را به شیوه آلفای کرونباخ، ۰/۶۲ محاسبه کرد. برای برآورد روایی نیز از روش همبستگی هر ماده با نمره کل استفاده شد. بر مبنای این بررسی ضرایب آلفا بین ۰/۴۲ تا ۰/۷۲ به دست آمدند که در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی اعتبار این پرسشنامه از روش همسانی درونی استفاده شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۶۸ و برای زیرمقیاس‌های پیچیدگی^۵، خودانتقادگری^۶ و گشودگی نسبت به تغییر^۷ به

1. Mchoskey, J. W. 3. Worzel, W. 5. complexity
2. Betris, T. 4. Kelly, K. 6. self-criticism

7. openness to change
8. Social Problem Solving Inventory (SPSI)

به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۷، ۰/۷۱، ۰/۷۳ و ۰/۸۰ به‌دست آمد. نتایج پژوهش مذکور، ثبات ساختار عاملی پرسشنامه حل مسئله اجتماعی و اعتبار آن را برای سنجش حل مسئله اجتماعی در دانشجویان ایرانی تأیید کرد.

سیاهه توانایی حل مسئله اجتماعی توسط مخبری، در تاج و دره‌کردی (۱۳۸۹) هنجاریابی شده است. نتایج این بررسی نشان دادند با توجه به ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده ($\alpha=0/50$) برای کل سیاهه و ضریب اعتبار بازآزمایی ($r=0/88$)، سیاهه توانایی حل مسئله اجتماعی از اعتبار قابل قبولی برخوردار است. همچنین بررسی ساختار عاملی وجود پنج عامل را تأیید کرد.

ایستون (۲۰۱۰) در بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه ۲۵ ماده‌ای حل مسئله اجتماعی، ویژگی‌های روان‌سنجی آن را بسیار مناسب گزارش کرد. وی دریافت این آزمون از اعتبار، همسانی درونی و ثبات زمانی کافی برخوردار است. همچنین روایی سازه، پیش‌بین و همگرایی آن نیز مطلوب بود. بنابراین برای ارزیابی حل مسئله اجتماعی، این ابزار از روایی و اعتبار مناسب برخوردار بود.

به منظور بررسی اعتبار این سیاهه در پژوهش حاضر از روش همسانی درونی استفاده شد. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل سیاهه ۰/۷۲ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۶۷ تا ۰/۷۵ بود، که بیانگر اعتبار قابل قبول آن است. به منظور بررسی روایی نیز ابتدا روش تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی و سپس چرخش واریماکس به‌کار گرفته شد و چهار عامل به دست آمد. مقدار ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌برداری) ۰/۸۸ و مقدار خی آزمون کرویوت بارتلت ۱۷۴۸/۹۳ محاسبه شد که نشان‌دهنده کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب‌شده برای انجام تحلیل عوامل بود. به طور کلی، عوامل به‌دست آمده در مجموع ۵۰/۷۰ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. بر مبنای این روش دو بعد حل مسئله برانگیختگی-بی‌دقتی و حل مسئله اجتنابی در هم ادغام شده و حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی^۴ را به‌وجود می‌آورند. با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی نیز وجود چهار عامل مورد تأیید قرار گرفت.

مثابه تهدیدی اصلی، بدینی نسبت به توانایی خود در حل مسئله و احساس ناامیدی و ناراحتی زودهنگام در مواجهه با مسئله است. زیرمقیاس سوم، حل منطقی مسئله است که میزان کاربرد منطقی، سنجیده، نظامدار و ماهرانه اصول و راهبردهای حل مسئله کارآمد را ارزیابی می‌کند. زیرمقیاس چهارم، به سبک برانگیختگی-بی‌دقتی^۱ اشاره می‌کند که یک الگوی حل مسئله ناقص است و از سوی تلاش‌های حل مسئله فعال که توأم با برانگیختگی-بی‌دقتی، ناکامل، عجولانه و کوتاه‌بینانه هستند، مشخص می‌شود. زیرمقیاس آخر، سبک اجتنابی است که الگوی حل مسئله ناقص دیگری است که با کمک اهمال‌کاری، منفعل بودن، تنبلی یا وابستگی مشخص می‌شود (مک‌گوئر، ۲۰۰۵).

دزوریلا و دیگران (۲۰۰۲) اعتبار سیاهه حل مسئله اجتماعی (فرم کوتاه تجدیدنظرشده ۲۵ ماده‌ای) را با استفاده از روش بازآزمایی و همسانی درونی مورد مطالعه قرار دادند و مشخص ساختند جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله در مقایسه با دیگر عامل‌ها از ثبات بالایی در طول زمان (سه هفته) برخوردار است. این محققان با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، به بررسی میزان همخوانی ساختار سیاهه حل مسئله اجتماعی (فرم کوتاه تجدیدنظرشده) با مدل پنج‌عاملی تجدیدنظرشده حل مسئله اجتماعی پرداختند و شاخص برازندگی تطبیقی^۲ و شاخص تعدیل‌شده برازندگی^۳ را به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۹ برآورد کردند که حاکی از برازش مناسب مدل پنج عاملی با داده‌های آنها بود.

صالحی و دیگران (۱۳۸۸) به بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه حل مسئله اجتماعی (فرم ۲۵ ماده‌ای) پرداختند. تحلیل مؤلفه‌های اصلی، از پنج عامل نظری حل مسئله اجتماعی و نتایج تحلیل عاملی تأییدی از ساختار عاملی به‌دست آمده، حمایت کرد. ضرایب همبستگی بین عامل‌های سیاهه حل مسئله اجتماعی و پرسشنامه پنج عامل اصلی شخصیت نیز مبین روایی همگرایی این سیاهه بود. ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل‌های جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله، جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله، حل منطقی مسئله، سبک اجتنابی و سبک برانگیختگی-بی‌دقتی

1. impulsive-carelessness

2. Comparative Fit Index (CFI)

3. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

4. avoiafnce-impulsive

یافته‌ها

مستقل که پیش‌تر در الگو قرار گرفته‌اند چیزی بیفزایند، حذف کرد. در این روش، ترتیب ورود متغیرهای پیش‌بین به معادله، بر پایه همبستگی‌های بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک (بزرگ‌ترین ضریب همبستگی) تعیین شد. در این روش سهم هر یک از متغیرها در هر گام بررسی می‌شود و می‌تواند زیرمجموعه کوچک‌تری از مجموعه متغیرهای اصلی را انتخاب کند. نتایج این تحلیل بر اساس ابعاد مختلف متغیر ملاک (حل مسئله اجتماعی) در جدول‌های ۲ تا ۵ ارائه شده است.

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای مورد بررسی در جدول ۱ درج شده است.

برای پاسخ به سؤال پژوهش و شناسایی نیرومندترین متغیر پیش‌بین شیوه‌های حل مسئله، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد تا از یک‌سو زیرمجموعه‌ای از متغیرهای مستقل را بتوان یافت که در پیش‌بینی متغیر وابسته سودمندند و از سوی دیگر متغیرهایی که به نحو معنادار نمی‌توانند به توان پیش‌بین متغیرهای

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. بنیادگرایی	۱۹	۴/۱	-							
۲. تساهل‌گرا	۱۶/۴	۴/۱	۰/۲۳**	-						
۳. خودانتقادگری	۱۱/۱	۲/۲	۰/۰۴	۰/۰۴	-					
۴. پیچیدگی	۸/۶	۲/۴	۰/۰۴	۰/۲۶**	۰/۰۱	-				
۵. گشودگی به تغییر	۹/۴	۲/۲	۰/۲۸**	۰/۱۳**	۰/۲۸**	۰/۰۸	-			
۶. جهت‌گیری مثبت به مسئله	۱۰/۹	۲/۳	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۲۳**	۰/۰۳	۰/۱۳**	-		
۷. جهت‌گیری منفی به مسئله	۱۰/۱	۳/۲	۰/۲۱**	۰/۱۵**	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۱۲*	۰/۱۶**	-	
۸. حل مسئله منطقی	۱۰/۴	۳/۷	۰/۰۰۳	۰/۰۸	۰/۲۶**	۰/۱۸**	۰/۰۷	۰/۴۴**	۰/۰۸	-
۹. حل مسئله اجتنابی-برانگیختگی	۲۱/۰	۳/۸	۰/۱۹**	۰/۲۳**	۰/۲۰**	۰/۰۰۴	۰/۲۳**	۰/۲۷**	۰/۵۰**	۰/۲۳**

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری منفی به مسئله است که به صورت منفی معنادار ($\beta = 0.21$) بعد از بنیادگرایی ($\beta = 0.26$)، جهت‌گیری منفی به مسئله را پیش‌بینی می‌کند.

در واقع با همراه شدن تأثیر متغیر پیش‌بین تساهل‌گرایی با بنیادگرایی، تغییر در جهت‌گیری منفی به مسئله به اندازه دو درصد نسبت به زمانی که بنیادگرایی به تنهایی در معادله حضور داشت، افزایش می‌یابد. البته تأثیر این دو متغیر پیش‌بین بر جهت‌گیری منفی به مسئله، معکوس است. بدین معنا که با افزایش بنیادگرایی، جهت‌گیری منفی به مسئله نیز تقویت می‌شود؛ در حالی که با افزایش تساهل‌گرایی، جهت‌گیری منفی به مسئله کاهش می‌یابد (جدول ۲).

همانطور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، در گام اول خودانتقادگری از ابعاد تجربه دینی پرسشگری، قوی‌ترین و تنها متغیر پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری مثبت به مسئله است که به صورت مثبت معنادار ($\beta = 0.22$) جهت‌گیری مثبت به مسئله را پیش‌بینی می‌کند. در این راستا می‌توان گفت پنج درصد واریانس جهت‌گیری مثبت به مسئله توسط متغیر خودانتقادگری تبیین می‌شود. همچنین این نتایج نشان می‌دهد، در گام اول رگرسیون، بنیادگرایی (از ابعاد تجربه دینی بنیادگرایی مذهبی)، نیرومندترین متغیر پیش‌بینی‌کننده جهت‌گیری منفی به مسئله است که به صورت مثبت معنادار ($\beta = 0.21$) جهت‌گیری منفی به مسئله را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم تساهل‌گرایی دومین متغیر

جدول ۲

خلاصه نتایج مدل رگرسیون گام به گام بعد جهت‌گیری مثبت و منفی به مسئله بر متغیرهای تجربه دینی

ابعاد	گام	متغیرهای پیش‌بین	F	R	R ^۲	ΔR^2	β	t
جهت‌گیری مثبت	اول	خودانتقادگری	۲۱/۳۸*	۰/۲۲	۰/۰۵	-	۰/۲۲*	۴/۶۲
جهت‌گیری منفی	اول	بنیادگرایی	۱۸/۳۰*	۰/۲۱	۰/۰۴		۰/۲۱*	۴/۳۰
		بنیادگرایی					۰/۲۶*	۵/۳۰
	دوم	تساهل‌گرایی	۱۹/۰۴*	۰/۳۰	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۲۱*	۴/۴۰

* $P < 0.001$

جدول ۳

خلاصه نتایج مدل رگرسیون گام به گام بعد حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی بر متغیرهای تجربه دینی

گام	متغیرها	F	R	R ^۲	ΔR ^۲	β	t
اول	تساهل‌گرایی	۲۲/۲۲*	۰/۲۳	۰/۰۵	-	-۰/۲۳*	۴/۷۱
دوم	تساهل‌گرایی بنیادگرایی	۲۶/۸۰*	۰/۳۴	۰/۱۱	۰/۰۶	-۰/۲۹*	۶/۰۵ ۵/۶۰
سوم	تساهل‌گرایی بنیادگرایی	۲۳/۶۱*	۰/۳۸	۰/۱۴	۰/۰۳	-۰/۲۸*	۵/۸۸ ۵/۳۴
	خودانتقادگری					-۰/۱۸*	۳/۹۳

*P<۰/۰۰۱

است که به تساهل‌گرایی که به صورت منفی معنادار (β=-۰/۲۸, P=۰/۰۰۱) و بنیادگرایی که به صورت مثبت معنادار (β=۰/۲۵, P=۰/۰۰۱) پیش‌بینی‌کننده این متغیر ملاک هستند، ملحق می‌شود. با همراه شدن تأثیر متغیر پیش‌بین خودانتقادگری به بنیادگرایی و تساهل‌گرایی، تغییر در حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی به اندازه سه درصد نسبت به زمانی که بنیادگرایی و تساهل‌گرایی به همراه هم در معادله حضور داشتند، افزایش می‌یابد. البته تأثیر متغیر پیش‌بین خودانتقادگری بر حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی در راستای تأثیر تساهل‌گرایی بر متغیر ملاک است. بدین معنا که با افزایش تساهل‌گرایی و خودانتقادگری، حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی کاهش می‌یابد؛ در حالی که با افزایش بنیادگرایی، حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی نیز افزایش می‌یابد.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهند در گام اول تساهل‌گرایی (از ابعاد تجربه دینی بنیادگرایی مذهبی)، نیرومندترین متغیر پیش‌بین حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی است که به صورت منفی معنادار (β=-۰/۲۳) حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم، بنیادگرایی به عنوان متغیر پیش‌بین مثبت معنادار (β=۰/۲۶) حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی است که به تساهل‌گرایی، ملحق می‌شود. البته تأثیر این دو متغیر پیش‌بین بر حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی به صورت معکوس است. بدین معنا که با افزایش بنیادگرایی، حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی نیز افزایش می‌یابد. در حالی که با افزایش تساهل‌گرایی، حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی کاهش می‌یابد. در گام سوم، خودانتقادگری سومین متغیر پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار (β=-۰/۱۸) متغیر حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی

جدول ۴

خلاصه نتایج مدل رگرسیون گام به گام بعد حل مسئله منطقی بر متغیرهای تجربه دینی

گام	متغیرهای پیش‌بین	F	R	R ^۲	ΔR ^۲	β	t
اول	خودانتقادگری	۲۹/۰۰**	۰/۲۶	۰/۰۷	-	۰/۲۶**	۵/۴۰
دوم	خودانتقادگری پیچیدگی	۱۹/۷۰**	۰/۲۹	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۲۳** ۰/۱۵*	۵/۰۰ ۳/۱۰

*P<۰/۰۰۱ **P<۰/۰۰۰۱

خودانتقادگری، تغییر در حل مسئله منطقی دو درصد نسبت به زمانی که خودانتقادگری به تنهایی در معادله حضور داشت، افزایش می‌یابد. یعنی به ازای یک واحد تغییر در خودانتقادگری ۷ درصد و به ازای یک واحد تغییر در خودانتقادگری و پیچیدگی ۹ درصد تغییر در حل مسئله منطقی به وجود می‌آید.

بحث

هدف از انجام این پژوهش تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند، در گام اول خودانتقادگری از ابعاد تجربه دینی پرسشگری، نیرومندترین متغیر پیش‌بینی حل مسئله منطقی است که به صورت مثبت معنادار (β=۰/۲۶)، حل مسئله منطقی را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم، پیچیدگی دومین متغیر پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار (β=۰/۱۵)، حل مسئله منطقی است که به خودانتقادگری که به صورت مثبت معنادار (β=۰/۲۳) پیش‌بینی‌کننده این متغیر ملاک است، ملحق می‌شود. در واقع با همراه شدن تأثیر متغیر پیش‌بین پیچیدگی با

در پیش‌بینی حل مسئله انطباقی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد متغیر پرسشگری دینی پیشایند مثبت و معنادار برای جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله و حل مسئله منطقی است. به این معنا که هرچه پرسشگری یا به‌طور مشخص‌تر خودانتقادگری و پیچیدگی در افراد بیشتر باشد، در برخورد با مشکلات انطباقی‌تر و با به‌کارگیری یک روی‌آورد منطقی در مواجهه با مسئله عمل می‌کنند (مک‌وئر، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه تنها یک مسیر کاملاً درست در پرسشگری دینی وجود ندارد، شیوه‌ای محسوب می‌شود که یک مسیر با پاسخ نامعلوم، به طرف معنویت را دنبال می‌کند (بتسون و دیگران، ۲۰۰۸) و بیشتر مبتنی بر یک روند رشد معنوی است که با شک و تفحص در این زمینه حاصل می‌شود. بنابراین پرسشگران مذهبی، افرادی هستند که به‌طور گشوده و با صداقت با ماده‌های وجودی که تحت‌تأثیر شرایط سخت و پرتناقض زندگی حاصل می‌شود، رویارو می‌شوند (پاجتربک و دیگران، ۲۰۱۲). چنین روندی می‌تواند جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله و حل مسئله انطباقی را رقم زند. حل منطقی مسئله، بعد سازنده‌ای است که ممکن است به عنوان شیوه‌ای منطقی، خردمندانه و نظام‌مند، یک مهارت کارآمد و سازش‌یافته در حل مسئله توصیف شود. فردی با چنین سبکی در حل مسئله، هنگام مواجهه با مشکل، بادقت و نظام‌مند اطلاعات و حقایق را جمع‌آوری و پس از تعیین موانع و خواسته‌ها، هدفی را مشخص، راه‌حل‌های جایگزین را پیش‌بینی و عواقب احتمالی را ارزیابی می‌کند. در مورد جایگزین‌ها، قضاوت و آنها را با یکدیگر مقایسه کرده و سپس با انتخاب و اجرای آن راه‌حل، نتایج به دست آمده را به‌دقت ارزیابی می‌کند. در واقع حل منطقی مسئله به معنای کاربرد منطقی، سنجیده، نظام‌دار و ماهرانه اصول و راهبردهای حل مسئله کارآمد است (موررا و دیگران، ۲۰۰۶) و فرایند توجیه در این مسائل مستلزم بازشناسی جنبه‌های متعدد، استدلال‌های حمایت‌کننده، دیدگاه‌های مخالف، ارزیابی اطلاعات، مباحثه و انتخاب بهترین راه‌حل تا حد ممکن است. در این راستا، هدف‌ها و دیدگاه‌های افراد درگیر در فرایند حل مسئله آن موضوع، یک عامل مهم در شکل‌گیری توجیه تفسیرهای متفاوت از یک پدیده است. بنابراین شناخت معرفتی فرد، یک مؤلفه مهم برای

متغیرهای جهت‌گیری دینی یعنی پرسشگری و بنیادگرایی مذهبی در حل مسئله اجتماعی بود.

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که متغیر خودانتقادگری (از ابعاد جهت‌گیری دینی پرسشگری) تنها پیشایند مثبت معنادار جهت‌گیری مثبت به مسئله و حل منطقی مسئله است. درعین حال پس از تأثیر ابعاد بنیادگرایی دینی بر حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی، این متغیر پیشایند منفی معنادار متغیر ملاک فوق نیز است. از سوی دیگر دو بعد تجربه دینی بنیادگرایی (بنیادگرایی و تساهل‌گرایی) پیشایندهای نیرومند جهت‌گیری منفی به مسئله و حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی هستند.

یافته‌های پژوهش حاضر همسو با تحقیقات پیشین (نیومن و پاراگمنت، ۱۹۹۹؛ وستمن و الکساندر، ۲۰۰۴ و وندرستاپ و نوریس، ۲۰۰۵) هستند. نتایج پژوهش‌های فوق بیانگر تأثیر زیربنایی میزان تحول شناختی بر کیفیت باورهای دینی و نهایتاً چگونگی رویارویی با تکالیف شناختی بر اساس میزان رشدیافتگی باورهای دینی است. همچنین برخی از بررسی‌ها (برای مثال؛ ساسیر و اسکرزپینسکا، ۲۰۰۶؛ استریب، هود، گیلر، ساف و سیلور، ۲۰۰۸) با مقایسه روی‌آوردهای پرسشگری و بنیادگرایی دریافتند پرسشگران دینی برخلاف بنیادگرایان، پیچیدگی شناختی (ظرفیت یکپارچه‌سازی ادراک‌های متفاوت و ایجاد یک درک مبتنی بر قرائن) بیشتری نشان داده، بر عدم قطعیت تأکید داشته و نسبت به ارزیابی موقعیت‌های متنوع، گشوده‌تر عمل کرده و به‌طور مثبت با سایر عوامل شناختی پیچیده همچون انعطاف‌پذیری، گشودگی و توانایی درک همه‌جانبه و تمایل به رویارویی با باورهای مخالف مرتبط هستند (مسای، ۲۰۱۰). در مقابل، بنیادگرایان با سنت‌گرایی^۱ یا پیروی از عقاید و باورهای نسل‌های پیشین بدون تأمل و تحول در آنها، مرتبطاند (استریب، هود، کلر، ساف و سیلور، ۲۰۰۸). افزون بر آن، برخی از تحقیقات (وکلینگ، ۲۰۰۷؛ آنجلی و والاندیز، ۲۰۱۲) نیز نشان داده‌اند بین فرایندهای شناختی عمیق و به‌کارگیری راه‌حل‌های منطقی در رویارویی با مسئله رابطه معنادار وجود دارد. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر در راستای تحقیقات انجام‌شده در این زمینه است.

نتایج تحلیل رگرسیون بر جهت‌گیری مثبت نسبت به مسئله و حل مسئله منطقی نشان‌دهنده نقش پرسشگری دینی

چگونگی توجیه یک مسئله غیرساختاری است (وکلینگ، ۲۰۰۷). نتایج پژوهش حاضر درخصوص جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله، نشان‌دهنده نقش بنیادگرایی مذهبی در پیش‌بینی حل مسئله غیرانطباقی است. یافته‌ها نشان دادند ابعاد متغیر بنیادگرایی مذهبی به صورتی متفاوت جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله را پیش‌بینی می‌کنند. به طوری که بنیادگرایی به عنوان نیرومندترین متغیر پیش‌بین، پیشایند مثبت و معناداری برای جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله است. درحالی که در مرحله بعد، تساهل‌گرایی یک پیشایند منفی معنادار برای متغیر ملاک فوق است. جهت‌گیری نسبت به مسئله اشاره به چگونگی توجه افراد به مسائل اطرافشان دارد و تا حدودی بیانگر یک الگوی شناختی-هیجانی ثابت است که افراد نسبت به مسائل زندگی خود دارند و چگونگی ارزیابی آنان را از ظرفیت‌های حل مسئله نشان می‌دهد (دزوریلا، نزو و میداوالیویرز، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله به ارزیابی یک مجموعه شناختی-عاطفی غیرانطباقی اشاره دارد (مک‌گوئر، ۲۰۰۵).

افزون بر آن، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام بر روی حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی نشان‌دهنده نقش بنیادگرایی مذهبی و پرسشگری در پیش‌بینی حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی بود. در این ارتباط نقش نیرومندترین متغیر پیش‌بین برای این متغیر ملاک در مقایسه با جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله تغییر کرده است، به گونه‌ای که بعد تساهل‌گرایی نیرومندترین پیشایند منفی معنادار و پس از آن، بنیادگرایی پیشایندی مثبت معنادار برای حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی است. نهایتاً متغیر خودانتقادگری (از ابعاد پرسشگری دینی) یک پیشایند منفی معنادار برای حل مسئله برانگیختگی-اجتنابی است.

بر اساس تحقیقات انجام‌شده، کسانی که شدیداً بنیادگرا هستند، عملاً در طرز تلقی و مواجهه با تجربه‌های دینی خود (و دیگران) با کسانی که میزان بنیادگرایی آنها کم است، تفاوت دارند (هونسبرگر، آلیسات، پانسر و پرات، ۱۹۹۶). یعنی افرادی که سطح بنیادگرایی آنها بالاست ممکن است بخواهند که اطلاعات جدیدی را در طرح‌واره دینی خود بگنجانند، اما

کسانی که میزان بنیادگرایی آنها پایین است، احتمال بیشتری دارد که عقاید دینی خود را تعدیل کنند تا پاسخگوی شبهات دینی باشد یا با اطلاعات جدید جور درآید. به همین نحو، جهت‌گیری پرسشگری نیز با افزایش پیچیدگی در تفکر و استقبال از دیدگاه‌های متفاوت در ارتباط است (مک‌فارلند^۱ و وارن^۲، ۱۹۹۲ نقل از اسپیلکا، هود، هونسبرگ و گرساچ، ۲۰۰۳/۱۳۹۰). به ویژه کسانی که در بنیادگرایی دینی نمره بالایی دارند، به جای آنکه بازخورد خود را در پرتو اطلاعات جدید تغییر دهند، ممکن است به طرح‌واره‌های موجود روی آورند. در مقابل، کسانی که از جهت‌گیری پرسشگری برخوردارند، احتمالاً تمایل دارند درباره دین و سایر مسائل فرهنگی به شیوه‌ای پیچیده‌تر و در عین حال انعطاف‌پذیرتر عمل کنند. بنابراین پیچیدگی شناختی آنها باعث می‌شود، کمتر تحت تأثیر هنجارهای گروهی تعصب‌آمیز قرار گیرند. بنابراین نیازمند تأمل بیشتر و آزمودن تجربه‌هایشان هستند (هونسبرگر و جکسون، ۲۰۰۵).

افزون بر آن، سبک‌های حل مسئله، فعالیت‌های شناختی و رفتاری آشکار هستند که به دنبال پیدا کردن راه حلی برای یک مسئله ویژه، یک الگوی ویژه از کنش‌ها و افکار را ارائه می‌دهند (دزوریلا و دیگران، ۲۰۰۲). سبک برانگیختگی-بی‌دقتی و سبک اجتنابی، الگوی حل مسئله ناقص را نشان می‌دهند (مک‌گوئر، ۲۰۰۵). شیوه برانگیختگی، یک الگوی نارسای حل مسئله است. ویژگی آن تلاش بسیار برای استفاده از فنون و راهبردهای حل مسئله است، هرچند این تلاش‌ها، کوتاه‌بینانه، شتابزده، بی‌دقت، عجولانه و ناکامل هستند. فردی که در این بعد قرار می‌گیرد جایگزین‌های معدودی را در نظر می‌گیرد. اغلب شتابزده به اولین فکری که به ذهنش می‌رسد، رجوع کرده؛ سریع، بی‌دقت و نامنظم، جایگزین‌ها و عواقب را از نظر می‌گذراند و نتایج، بی‌دقت و نامناسب مورد ارزیابی و نظارت او قرار داده می‌شوند. ویژگی شیوه اجتناب، تعلل، مسامحه و وابستگی است. فردی که در این مقیاس نمره بالایی می‌گیرد، به جای مواجهه با مسئله از آن اجتناب کرده و تا آنجا که ممکن است حل مسئله را به تأخیر می‌اندازد. امیدوار است که مسائل خود حل شوند و تلاشش بر واگذاری حل مسائل به

اعتقادات عمیق دینی-معنوی را به ارمغان می‌آورد. بنابراین، لزوم توجه و تفحص در این حیطة احساس می‌شود. تأکید اصلی تعلیم و تربیت و به‌خصوص تعلیم و تربیت اسلامی بر تعقل، تدبّر و اهمیت شناخت و جایگاه ادراک در این دیدگاه بر همگان آشکار است. این تأکید به بیان‌های مختلفی در آیات قرآن و روایات از ائمه نشان داده شده است. تنها در ۴۹ مورد کلام خداوند با تأکید بر عقل به معنای اندیشیدن و با تعبیر مختلف (تعقلون، یعقلون و نظایر آن) همراه بوده است که ۱۳ مورد آن به شکل افلا تعقلون (آیا نمی‌اندیشید؟) و به صورت مؤکد بیان شده است. در حالی که تأکید بر علم (به صورت يعملون به معنای دانستن) به معنای آگاهی و درک در ۸۵۳ مورد، تفکر در ۱۳ مورد و تدبّر در چهار مورد عنوان شده است. افزون بر آن روایات متعدد نیز بر اهمیت آگاهی، درک و فهم تأکید کرده‌اند. از جمله اینکه امیرالمومنین (ع) فرمود: آگاه باشید که خیری نیست در تلاوت قرآن بدون تدبّر. همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: خیر و خوبی تماماً با عقل به‌دست می‌آید و کسی که عقل ندارد دین ندارد (حسن‌زاده‌آملی، ۱۳۸۴).

پژوهش حاضر دلالت‌های نظری و کاربردی بالقوه نیز دارد. از لحاظ ارزش نظری، نتایج این پژوهش به دلیل تحقیقات معدود در زمینه اثرات تجارب دینی مختلف بر روی‌آورد حل مسئله، می‌تواند تا حدی به افزایش اطلاعات موجود در این زمینه کمک کند. از لحاظ ارزش کاربردی نیز اطلاعات حاصل از آن می‌تواند برای درک ارزش تعمیق درک معنوی افراد مورد استفاده قرار گیرد. نتایج این پژوهش می‌تواند برای والدین و نیز کلیه افراد دست‌اندرکار تعلیم و تربیت در تمام سطوح سنی، از طریق به‌کارگیری مداخله‌های آموزشی و یادگیری، اطلاعاتی فراهم آورد. در ضمن نتایج پژوهش حاضر می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های آتی در باب بررسی سایر عوامل مؤثر یا تحت تأثیر تجارب دینی باشد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت از آنجا که این تحقیق از نوع همبستگی است، باید استنباط علی از آن با احتیاط صورت گیرد. به علاوه این تحقیق صرفاً در سطح دانشجویان کارشناسی ارشد انجام شده است، لذا پیشنهاد می‌شود در بررسی‌های آینده سایر مقاطع نیز مورد بررسی قرار گیرند تا امکان

دیگران، متمرکز است (موررا و دیگران، ۲۰۰۶).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت حل مسئله غیرساختارمند، فعالیت تعامل خاصی است که توسط یادگیرندگانی با باورهای شخصی ویژه انجام می‌گیرد (جانسون، ۱۹۹۷) و مستلزم درنظر گرفتن ادراک‌های چندگانه و به‌کارگیری معیارهای متعدد برای ارزیابی مسئله و راه‌حل‌های آن است (آنجلو و والاندیز، ۲۰۱۲). بنابراین، باورهای معرفت‌شناختی بر مکانیزم‌هایی که به‌طور طبیعی یادگیرنده را برای حل مسئله برمی‌انگیزد، تأثیر می‌گذارد (هافر، ۲۰۰۱؛ بندیکسون و شراو، ۲۰۰۱؛ سینترا، ساترلند، مک‌کانافی و دماستس، ۲۰۰۳؛ وندرستوپ و نوریس، ۲۰۰۵). از سوی دیگر، میزان تعمق و سطح شناخت نیز در کیفیت باورهای دینی تأثیر دارد. به‌طوری‌که، پرسشگران دینی، پیچیدگی شناختی یکپارچه‌ای را نشان می‌دهند (بتسون^۱ و ری‌نور-پرنس^۲، ۱۹۸۳ نقل از مسای، ۲۰۱۰) و دارای نیاز قوی برای شناخت هستند (بارت و دیگران، ۲۰۰۵). این ویژگی‌ها با سازهایی که منعکس‌کننده جمود فکری‌اند، مانند، جزم‌اندیشی، اقتدارگرایی، مذهب ارتودکسی و بنیادگرایی، ارتباط معکوس دارند (آلتیمیر و هونسبرگر، ۱۹۹۲؛ داک و هونسبرگر، ۱۹۹۹). پرسشگران دینی تعصب اندکی دارند (بتسون، شوئنراد و ونتیس، ۱۹۹۳) و استدلال‌های اخلاقی‌شان در سطح پس‌قراردادی^۳ است (کاتون، دراگر و جاویر، ۲۰۰۷). در حالی‌که افراد بنیادگرای مذهبی نمره بالاتری در سنت‌گرایی یا پیروی از عقاید و باورهای نسل‌های پیشین بدون تأمل و تعقل در آنها، کسب می‌کنند (استریب و دیگران، ۲۰۰۸). دارای تعصب مذهبی‌اند (آلتیمیر و هونسبرگر، ۲۰۰۴) و بین راهبردهای پردازش عمیق و باورهای عینی الهی آنها رابطه منفی و بین تعصب در تعهدات دینی با سطوح پایین‌تر راهبردهای شناختی همبستگی مثبت (وستمن و الکساندر، ۲۰۰۴) مشاهده می‌شود. بنابراین با توجه به کیفیت‌های مختلف سطوح شناختی پرسشگران و بنیادگرایان، به‌کارگیری روش‌های کاملاً متفاوت در موقعیت‌های روایی با مسائل قابل انتظار است.

به لحاظ نظری، نقش زیربنایی تعالی شناختی در ژرف‌اندیشی معنوی نشان داده شده است. افزون بر آن، ضرورت حرکت از تفکر جزمی و قطعی که بر مبنای تفکر دوقطبی شکل گرفته است و به باورهای مذهبی سطحی و روئینایی می‌انجامد،

اجتماعی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۴ (۱)، ۷۲-۵۵.
ملکیان، م. (۱۳۸۰). راهی به راهایی جستارهایی در عقلانیت و معنویت.
تهران: مؤسسه نگاه معاصر.

Adorno, T. W., Frenkel-Brunswik, E., Levinson, D. J., & Sanford, R. N. (1950). *The authoritarian personality*. New York: Harper & row.

Altemeyer, B. (2006). *The authoritarians*. University of Manitoba, Winnipeg, Canada.

Altemeyer, B., & Hunsberger, B. (1992). Authoritarianism, religious fundamentalism, quest and prejudice. *International Journal for the Psychology of Religion*, 2, 113-133.

Altemeyer, B., & Hunsberger, B. (2004). A Revised Religious Fundamentalism Scale: The short and sweet of it. *International Journal for the Psychology of Religion*, 14, 47-54.

Altemeyer, B., & Hunsberger, B. (2005). Fundamentalism and authoritarianism. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion and spirituality* (pp. 378-393). NY: Guilford Press.

Angeli, C., & Valanides, N. (2012). Epistemological beliefs and ill-structured problem-solving in solo and paired contexts. *Educational Technology and Society*, 15 (1), 2-14.

Barrett, D. W., Patock-Peckham, J. A., Hutchinson, G. T., & Nagoshi, C. T. (2005). Cognitive motivation and religious orientation. *Personality and Individual Differences*, 38, 461-474.

Batson, C., Denton, D., & Vollmecke, J. (2008). Quest religion, anti-fundamentalism, and limited versus universal compassion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47, 135-145.

Batson, C. D., Eidelman, S. H., Higley, S. L. &

مقایسه سطوح مختلف تحصیلی نیز میسر شود. همچنین بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر جنس در روابط بین متغیرهای پژوهش نیز می‌تواند به نتایج جالب توجهی منجر شود.

منابع

اسپیلکا، ب.، هود، ر.، هونسبرگر، ب. و گرساچ، ر. (۱۳۹۰).

روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی. ترجمه م. دهقانی.
تهران: انتشارات رشد (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۳).

بیانی، ع. و بیانی، ع. (۱۳۸۹). ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه سیاهه حل مسئله اجتماعی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۲۶، ۱۵۴-۱۴۷.

حسن‌زاده‌آملی، ح. (۱۳۸۴). ممد الهمم در شرح فصوص الحکم. تهران: وزارت ارشاد.

رجبی، م.، صارمی، ع. و بیاضی، م. (۱۳۹۱). ارتباط بین الگوهای مقابله دینی با سلامت روانی و شادکامی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۳۲، ۳۷۱-۳۶۳.

زرین‌کلک، ح. و طباطبایی‌برزوکی، س. (۱۳۹۱). رابطه سبک دلبستگی و شیوه‌های والدگری ادراک شده با تجربیات معنوی و اعمال مذهبی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۳۱، ۳۱۱-۳۰۵.

سلیمانی‌خشاب، ع. (۱۳۹۱). بررسی اثر میانجی‌گری معنویت و دینداری در رابطه با پیش‌بینی تاب‌آوری توسط پنج عامل شخصیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز.

صالحی، م.، کوشکی، ش.، سپاه‌منصور، م. و تقی‌لو، ص. (۱۳۸۸). تعیین ساختار عاملی مقیاس سنجش حل مسئله اجتماعی: فرم کوتاه تجدیدنظرشده. مجله تحقیقات روان‌شناختی، ۱ (۳)، ۳۹-۲۵.

کشتکاران، ک. (۱۳۸۹). پیش‌بینی سبک‌های تصمیم‌گیری بر اساس نگرش‌های دینی با واسطه‌گری باورهای معرفت‌شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شیراز.

مخبری، ع.، درتاج، ف. و دره‌کردی، ع. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل مسأله

- proscription, right-wing authoritarianism and social desirability. *International Journal for the Psychology of Religion*, 9, 157-179.
- Easton, C. G. (2010).** *Social Problem Solving Inventory-Revised Short Form (SPSI-R:S): An evaluation of its psychometric properties and predictive capacity with a young adolescent population.* PhD thesis, School of Psychology, the University of Queensland.
- Graham, M. D. (2001).** *Phenomenological study of quest-oriented religion.* Unpublished Master of Arts, Trintty Western University.
- Hofer, B. K. (2001).** Personal epistemology research: Implications for learning and teaching. *Educational Psychology Review*, 13 (4), 353-383.
- Hunsberger, B., Alisat, S., Pancer, S. M., & Pratt, M. (1996).** Religious fundamentalism and religious doubts: Content, connections, and complexity of thinking. *International Journal for the Psychology of Religion*, 4, 401-440.
- Hunsberger, B., & Jackson, L. M. (2005).** Religion, meaning, and prejudice. *Journal of Social Issues*, 61(4), 807-826.
- James, W. (1985).** *The varieties of religious experience.* Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Jonassen, D. H. (1997).** Instructional design models for well-structured and ill-structured problem-solving learning outcomes. *Educational Technology Research and Development*, 4 (1), 65-95.
- Krauss, S. W., Streib, H., Keller, B., & Silver, C. (2006).** The distinction between authoritarianism and fundamentalism in three cultures: Factor analysis and personality correlates. *Archive for the Psychology of Religion*, 28, 341-348.
- Lewis, C. A., & Cruise, S. M. (2006).** Religion and **Russell, S. A. (2001).** And who is my neighbour? II. Quest religion as a source of universal compassion. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 40, 39-50.
- Batson, C. D., & Schoenrade, P. A. (1991a).** Measuring religion as quest: Validity concerns. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 30, 416-429.
- Batson, C. D., & Schoenrade, P. A. (1991b).** Measuring religion as quest: Reliability concerns. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 30, 430-447.
- Batson, C. D., Schoenrade, P. A., & Ventis, W. L. (1993).** *Religion and the individual: A social-psychological perspective.* NY: Oxford University Press.
- Beck, R., & Jessup, R. K. (2004).** The multidimensional nature of quest motivation. *Journal of Psychology and Theology*, 32 (4), 283-294.
- Bendixen, L. D., & Schraw, G. (2001).** *Why do epistemological beliefs affect ill-structured Problem-solving?* Paper presented at the meeting of American Educational Research Association, Seattle, Washington.
- Brown, R. P., Barnes, C. D., & Campbell, N. J. (2007).** Fundamentalism and forgiveness. *Personality and Individual Differences*, 43, 1437-1447.
- Cottone, J., Drucker, P., & Javier, R. A. (2007).** Predictors of moral reasoning: Components of executive functioning and aspects of religiosity. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 46, 37-53.
- D’Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu-Olivares, A. (2002).** *Manual for the Social Problem Solving Inventory-Revised.* Nourth Tonawanda, TY: Multi-Health Systems.
- Duck, R. J., & Hunsberger, B. (1999).** Religious orientation and prejudice: The role of religious

- Study of Religion*, 49, 425-438.
- Nezu, C. M., D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (2005).** Problem solving therapy, theory, practice and application to sex offenders. In M. McMurrin, & J. McGuire (Eds.), *Social problem solving and offending*, (pp.103-123). Chichester: John Wiley & Sons Lt.
- Pachterbeke, M. V., Keller, Johannes, & Saroglou, V. (2012).** Flexibility in existential beliefs and world-views: Introducing and measuring existential quest. *Journal of Individual Differences*, 33, 69-130
- Sinatra, G. M., Southerland, S. A., McConaughy, F., & Demastes, J. W. (2003).** Intentions and beliefs in students' understanding and acceptance of biological evolution. *Journal of Research in Science Teaching*, 40 (5), 510-528.
- Siu, A. M. H., & Shek, D. T. L. (2005).** Relations between social problem solving and indicators of interpersonal and family well-being among Chinese adolescents in Hong Kong. *Social Indicators Research*, 71, 517-539.
- Streib, H., Hood, R. W., Keller, B., Csöff, R., & Silver, C. F. (2008).** *Deconversion, faith development and fundamentalism, qualitative and quantitative results from cross-cultural research in Germany and the United States of America*. Germany: Vandenhoeck und Ruprecht.
- Swatos, W. H. (1998).** *Encyclopedia of religion and society*. New York: Oxford University Press.
- VanderStoep, S. W., & Norris, B. P. (2005).** Advances in motivation and achievement. In M. L. Maher & S. A. Karabenick (eds.), *Motivation and religion* (pp. 187- 239). Netherlands:Elsevier.
- Wakeling, H. C. (2007).** The psychometric validation of the Social Problem-Solving Inventory-Revised with happiness: Consensus, contradictions, comments and concerns. *Mental Health, Religion and Culture*, 9 (3), 213-225.
- Maltby, J., & Day, L. (2003).** Religious orientation, religious coping and appraisals of stress: Assessing primary appraisal factors in the relationship between religiosity and psychological well-being. *Personality and Individual Differences*, 34, 1209-1224.
- Maltby, J., Lewis, C. A., & Day, L. (1999).** Religious orientation and psychological well-being: The role of the frequency of personal prayer. *British Journal of Health Psychology*, 4, 363-378.
- McGuire, J. (2005).** Social problem solving, basic, concepts, research and application. in McGuire, James, (eds), *Social problem solving and offending*, (pp.127-143). Chichester: John Wiley & Sons, Ltd.
- Messay, B. (2010).** *The relationship between quest religious orientation, forgiveness and mental health*. Unpublished Master of Arts in Clinical Psychology. The College of Arts and Sciences of the University of Dayton.
- Morera, O. F., Maydeu-Olivares, A., Nygren, T. E., White, R. J., Fernandez, N. P., & Skewes, M. C. (2006).** Social problem solving predicts decision making styles among US Hispanics. *Personality and Individual Differences*, 41, 307-317.
- Newman, J. S., & Paragament, K. I. (1999).** The role of religion in the problem solving process. *Review of Religious Research*, 31, 390-403.
- Neyrinck, B., Lens, W., Vansteenkiste, M., & Soenens, B. (2010).** Updating Allport's and Batson's framework of religious orientations: A re-evaluation from the perspective of self-determination theory and Wulff's social cognitive model. *Journal for Scientific*

Punyanunt-Cater, N. M. (2006). Religious fundamentalism and intercultural communication: The relationships among ethnocentrism, intercultural communication apprehension, religious fundamentalism, homonegativity and tolerance for religious disagreements. *Journal of Intercultural Communication Research*, 35 (1), 23-44.

UK incarcerated sexual offenders. *Sex Abuse*, 19, 217-236.

Westman, A. S., & Alexander, N. A. (2004). Epistemological exploration: Generalization of learning styles and analytical skills between academic and religious materials. *Psychological Reports*, 94, 1083-1088.

Wrench, J. S., Corrigan, M. W., McCroskey, J. C., &